**یکصد و پنچاه سال پیش**

**کیوان، محمد**

یکصد و پنجاه سال پیش،در سال 1828 میلادی،دومین دورهء تعرضات روسیه تزاری‏ بکشور ما با نابودی ارتش مدافع ایران پایان یافت و عهد نامه ترکمانچای بر ما تحمیل شد. روسها برابر این عهد نامه باز هم چند ولایت ایران را بخاک بسیار وسیع خود ملحق کردند و بخشی از خاک همسایه ایرا چنانکه همواره عادت ایشان بوده است برخلاف میل مردم آن ضمیمه‏ کشور خود ساختند.

جنگ دوم بعلت نارضایتی مردم قفقاز بالاخص مسلمانان آن دیار با اعلام جهاد از طرف علمای نجف آغاز گردید.در ابتدای امر بنا به نوشته سپهر صاحب ناسخ التواریخ‏ سربازان ایرانی با کمک مردم دلاور قفقاز دلیرانه جنگیدند و بسیاری از شهرهای از دست رفته‏ را بازپس گرفتند ولی بزودی روسها که کار را جدی یافتند سربازان و وسایل بیشتری وارد میدان نبرد کردند و شکست فاحشی به ایرانیان وارد آوردند و علاوه بر حفظ فتوحات پیشین‏ شهرها و اراضی جدیدی را نیز از ما گرفتند و از آن زمان رود ارس سر حد بین دو کشور شد. نتیجه قرارداد ترکمان چای فقط از دست دادن اراضی وسیعی در آن سوی رود ارس نبود بلکه‏ مبالغ هنگفتی نیز بابت خسارت جنگ پرداختیم و از همه بدتر،روسها با تعهد به ادامه سلطنت‏ در خاندان عباس میرزا عملا پادشاهان قاجار را زیر حمایت خود قرار دادند.بالاخره از روسیه آن زمان انتظاری جز این نمی‏رفت زیرا دولت تزاری همواره بفکر کشور گشائی و توسعهء خاک روسیه بزیان کشورهای همسایه بوده است.

پس از انقلاب 1917 مللی که زیر یوغ استبداد تزاری بودند تصور کردند که روسیه‏ جدید که که خود را حامی مظلومین و دشمن امپریالیسم معرفی می‏کرد برخلاف روسیه تزاری‏ با شناختن حق آزادی برای ملتها آنان را از بند استعمار خواهد رهاند.شاید اگر لنین چند سالی دیگر زنده مانده بود چنین آرزوئی تحقق می‏یافت ولی متأسفانه استالین گرجی که از میان ملل تابعه برخاسته بود خود را از پاپ هم کاتولیک‏تر نشان داد و بدتر از سختگیرترین‏ تزارها مردم کشورهای غیر روسی حتی بسیاری از گرجی‏های هم وطن خود را زیر شکنجه و آزار از پای درآورد و آرزوی استقلال و آزادی را از خاطرها زدود.

با آغاز جنگ آلمان و شوروی کلیه ملل غیر روسی از جمله مردم اوکراین آرزوی‏ دیرینه را قریب الوقوع دیدند ولی خودپسندی و سوء رفتار اس اس‏های آلمانی ملت اوکراین‏ و دیگر ملتها را بکلی از آلمانها ناامید کرد و ناچار بوضع موجود ساختند.

ما بعنوان دوست و همسایه کشور بزرگ اتحاد شوروی آرزومندیم که ملت‏های غیر روسی‏ همانطور که قانون اساسی شوروی نیز آنرا اجازه می‏دهد در صورت تمایل بتوانند آزادی‏ کامل خود را بدست آورند و در کنار ملل دیگر از جمله مردم روسیه در صلح و صفا زندگی کنند.همانطور که انتظار داریم آمریکا و کشورهای بزرگ اروپائی نیز به پیشرفت ملت‏های‏ جهان سوم و مستعمرات سابق از راه همکاری صحیح یاری نمایند تا جهانی که در آن زندگی‏ می‏کنیم برای همه مطلوب‏تر و زیباتر جلوه‏گر گردد و جهانیان بجای کوشش در تجهیز خود به سلاح‏های مخوف مدرن به فراهم آوردن وسائل راحتی و خوشی نوع خود بپردازند.

مصاحبه فتحعلیشاه قاجار با روحانیون

پس از شکست از روس(در چمن سلطانیه)

چونکه فتحعلی،شه قاجار گشت مغلوب روس‏های تزار شهرهائی گزین ز دست بداد از در گنجه تا پناه آباد شوشی و ایروان و هشدر خوان‏ شکی و باد کوبه و شروان‏ بردع و نخجوان و آستارا شهر تفلیس و کوته و جلفا وادی و لنکران و انجیران‏ مرز دربند و خطهء اران‏ کوکچای و سیاه باغ و قپان‏ بخشی از کوهسار و دشت مغان‏ بیش از شصت قریه آباد مردمش با دیانت و آزاد داد با این تصور واهی‏ که بماند به دوده‏اش شاهی‏ سرزمین‏ها که خصم از او بر بود سند سرفرازی ما بود مهد زردشت و خانهء ساسان‏ مرز اشکانیان و بوم کیان‏ جای شروان شهان ایرانی‏ مولد بوالهلاء و خاقانی‏ موطن و مدفن نظامی راد گه از ایران نموده اینسان یاد: «هست گیتی چو جسم و ایران دل‏ نیست گوینده زین قیاس خجل» «چونکه ایران دل زمین باشد دل ز تن به بود یقین باشد» الغرض چیره شد چو لشکر روس‏ سپر انداخت در برابر روس‏ بجز این شهرها کز ایران داد مبلغی نقد نیز تاوان داد خاطر شاه از این شکست آشفت‏ داغ دل را به حاضران بد گفت‏ تا خطا کاریش نگردد فاش‏ کرد با عالمان دین،پرخاش